

رفع توهم وضع از احادیث نسخه خطی «سَلَّمَ دَرَجَاتِ الْجَنَّةِ»
با رویکردی بر شواهد و متابعات فریقین

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۳/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۳

طاهره ندیمی تهرانی^۱
امیر توحیدی^۲
مجید معارف^۳

چکیده

وجود احادیث موضوع از اصلی ترین آسیب ها، در منابع روایی فریقین است. نسخه خطی سلم درجات الجنة ابن مشهدی (م ۱۱۲۵ ق)، محدث و مفسر بزرگ شیعه و صاحب تفسیر کنز الدقائق، از جمله منابع ارزشمند حدیثی در باب فضایل و مناقب حضرت علی (ع) است. از مجموع چهل حدیثی که در این نسخه جمع آوری شده، نسبت به برخی از احادیث آن در باب رستگاری محبتن ابی الائمه (ع) اتهام وضع زده شده است. با توجه به شواهد و متابعات فریقین و اعتبارسنجی سندی و متنی این روایات، صحت و سقم آن ها به روش کتابخانه ای مورد تحلیل قرار گرفت و محرز گردید که وثاقت سندی برخی از اسناد احادیث مورد اجماع علمای فریقین نیست؛ ولی با بیان دلایل عقلی و نقلی اثبات گردید که مضمون همه روایات از تواتر اجمالی برخوردار بوده، دارای وثاقت صدور است. بدین ترتیب، پرده از تشکیک و تردیدها برداشته و صحت احادیث اثبات شد و توهم وضع احادیث مذکور رفع گردید.

کلیدواژه ها: نسخه خطی سلم درجات الجنة، ابن مشهدی، وضع حدیث، اعتبارسنجی سندی و متنی، شواهد و متابعات فریقین،

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز (tnadimi11@gmail.com).

۲. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز (نویسنده مسئول)؛ (amir_tohidi_110@yahoo.com).

۳. استاد تمام و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران (maarefmajid@gmail.com).

۱. مقدمه

نسخه خطی کتاب سلم درجات الجنة في معرفة فضائل ابي الائمة، نگاشته محمد بن قمي مشهدي (م ۱۱۲۵ق)، صاحب تفسير مأثور كنز الدقائق، یکی از نسخ مخطوطی است که اربعینی از روایات در باب فضائل ابي الائمة عليه السلام و رستگاری شیعیان ایشان را به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله در خود جای داده است. از آنجایی که این روایات به نقل از مصادر و مستندات فریقین است، می توان وفاق این موضع را در نگاه شیعه و اهل سنت به اثبات رساند. بر روی این اثر نفیس تاکنون تصحیح و تحقیقی صورت نگرفته و به زیور طبع آراسته نشده است.

برخی از علمای اهل سنت، به دلایل گوناگون، در صحت احادیث این نسخه تردید و تشکیک کرده، و خود احادیث را وضعی خوانده اند. به همین دلیل، نیاز است احادیث این نسخه اعتبارسنجی شود تا مشکل بسیاری از احادیث را - که در سایه تقیه، جعل و غلو از میدان خارج شده - حل کرده و وارد عرصه احادیث کرد و بسیاری از احادیث غلوآمیز و جعلی را - که به دلایل گوناگون وارد کتب حدیثی شده - از عرصه حدیث خارج کرد و تا حد زیادی شبهات وارده از سمت برخی از معاصران وهابی و دگراندیشان شیعی را پاسخ داد.

پرسشی که باید پاسخ داده شود، آن است که: طبق شواهد و متابعات^۱ فریقین و بررسی های سندی و متنی چه تعداد از احادیث از اعتبار برخوردار است؟

برای رسیدن به پاسخ سؤال مطرح شده، لازم است در کنار ذکر شواهد و متابعات فریقین به جهت اثبات تواتر اجمالی احادیث^۲، علاوه بر واکاوی وثاقت سندی، وثاقت صدور احادیث نیز از راه قراین و نشانه ها به دست آید. در این صورت، با تحصیل صحت و سقم احادیث، پرده از تردیدها زدوده شده، و اخذ معالم صورت می گیرد.

روش این پژوهش در شیوه تحلیل محتوای کیفی، از نوع توصیفی - تحلیلی است.

۲. وضع حدیث

یکی از مواردی که احادیث را از گردونه اعتبار خارج می سازد، وضع و جعل حدیث است.

۱. حدیث شاهد به حدیث مفردی که مفهوم آن به سند دیگر نقل شده، اطلاق می شود. حدیث متابع حدیثی است که راوی دیگر با راوی آن در نقل از شیخ یا کسی که ما فوق آن شیخ است موافقت داشته باشد (تدریب الراوی، ج ۱، ص ۲۸۳؛ فتح المغیث، ج ۱، ص ۲۵۶).

۲. تواتر اجمالی عبارت است از علم به صحت یکی از چند حدیث که در یک موضوع وارد شده باشد (درایة الحدیث، ص ۱۴۵).

۱-۲. حدیث موضوع

منظور از حدیث موضوع حدیثی است که دروغ‌گویان آن را به وجود آورده، به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یا ائمه معصوم علیهم السلام نسبت داده‌اند.

۲-۲. رفع توهم وضع حدیث

اثبات وثاقت احادیث و رفع توهم وضع آن از دوراه به دست می‌آید: ۱. تحلیل سندی، یعنی بررسی شرح حال رجال سند و طرق تحمل حدیث و... به جهت احراز وثاقت سندی؛ ۲. تحلیل متنی به جهت احراز وثاقت صدور که از راه قراین و نشانه‌ها به دست می‌آید. حر عاملی در کتاب وسائل الشیعه به ذکر بیست و دو مورد از این قراین پرداخته است.^۱ شیخ طوسی نیز در کتاب عدة الاصول قراینی ذکر کرده است که پاره‌ای از آن‌ها شامل: موافقت با ادله عقلی، مطابقت با کتاب خدا، موافقت با سنت قطعی و موافقت با آنچه فرقه امامیه بر آن اجماع نموده‌اند.^۲

علما برای تشخیص احادیث موضوع مواردی را ذکر کرده‌اند که تعدادی از آن‌ها به شرح زیر است: ۱. اعتراف واضع حدیث؛ ۲. وجود اغلاط از لحاظ قواعد ادبی یا رکاکت در ناحیه معنا؛ ۳. مخالفت حدیث با کتاب خدا یا حدیث متواتر؛ ۴. مخالفت مفاد حدیث با عقل یا حس و مشاهده، به گونه‌ای که تأویل آن ممکن نباشد؛ ۵. مخالفت حدیث با منقولات مسلم تاریخی؛ ۶. ناقل حدیث کسی باشد که به وضع و جعل حدیث معروف باشد؛ ۷. مخالفت با مقصد و هدف شارع.^۳

در بسیاری از موارد نمی‌توان به راحتی حکم قطعی درباره صحت و سقم احادیث داد؛ زیرا متون روایی دارای پیچیدگی‌هایی است که برخاسته از دشواری فهم روایات اهل بیت به واسطه ذوجهین بودن کلام معصوم همراه با تعابیر محکم و متشابه و مخفی بودن وجه صدور آن‌ها به جهت تقیه و دلایل دیگر است.^۴ همچنین، در مواردی سخن از مراتب فراگیری همچون معراج و امثال آن پیش می‌آید که از سیطره عقل انسان خارج است و نمی‌توان درباره آن‌ها توضیحی داد و آن‌ها را تأویل کرد. در چنین مواردی اجازه نداریم این گونه احادیث را رد

۱. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۹۶-۱۰۴.

۲. عدة الاصول، ج ۱، ص ۱۴۶.

۳. رک: علم الحديث و درایة الحديث، ص ۱۲۲-۱۲۶.

۴. رک: بحار الأنوار، ج ۲، ص ۱۸۲-۲۱۲.

کرده و یا وضعی بخوانیم، بلکه باید در صورت داشتن سندی متقن، تعبداً حدیث را بپذیریم.

۳. اعتبارسنجی احادیث موضوع

برخی از علمای اهل سنت، به دلایل گوناگون، چهار حدیث کتاب سلم درجات را موضوع خوانده‌اند. این نوشتار برآن است تا صحت و سقم این گونه احادیث را مورد واکاوی قرار دهد تا پرده از تشکیک و تردیدها زدوده گردد. این احادیث به شرح زیر است.

۱-۳. بشارت ازدواج حضرت فاطمه علیها السلام از جانب خداوند

ابن مشهدی در حدیث هفتم کتاب سلم درجات، از قطب راوندی در کتاب الخرائج و الجرائح حدیثی آورده که در آن، رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود:

یا فاطمه، نزد من بشارتی است از جانب خدا درباره برادرم و پسرعمویم. خداوند تزویج کرد علی را با تو. به نگهبان بهشت دستور داد که درخت طوبی را تکان دهد، تکه‌های کاغذ به تعداد محبان اهل بیت من بارور گردید. و از زیر درخت طوبی ملائکه‌ای از نور به وجود آمد، و در اختیار هر ملکی خطی قرار گرفت. وقتی قیامت برپا می‌شود، ملائکه محبی از (خاندان) ما را ملاقات نمی‌کنند، مگر این که یکی از آن نامه‌ها را که آزادی از جهنم است، به او می‌دهند.^۱

شواهد و متابعات حدیث هفتم کتاب به شرح زیر است:

۱-۳-۱. شواهد و متابعات

حدیث هفتم دارای شواهد و متابعاتی در کتاب سلم درجات و در مصادر فریقین با موافقت در لفظ و معنا است که شامل:

۱-۳-۱-۱. شواهد و متابعات فریقین، در کتاب سلم درجات با موافقت در معنا

حدیث نهم موجود در کتاب سلم درجات، از جهت معنایی، از شواهد و متابعات حدیث مذکور است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به حضرت فاطمه (س) فرمود:

... من تو را تزویج نکرده‌ام، خدا از بالای عرش خود تو را تزویج کرد. و بر این موضوع جبرئیل و اسرافیل گواه شدند...^۲

۱. سلم درجات، ح: ۷؛ نیز رک: الخرائج و الجرائح، ج: ۲، ص: ۵۳۶.

۲. همان، ح: ۹؛ نیز رک: مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام، ص: ۲۸۴-۲۹۳.

۳-۱-۱-۲. شواهد و متابعات در مصادر فریقین با موافقت در لفظ

حدیث مذکور در مصادر معتبر قدمای فریقین با موافقت در لفظ نقل شده که به ترتیب، تا زمان مؤلف، شامل کتب زیر است:

الف) مصادر شیعه

۱. فضایل امیرالمؤمنین،^۱ ۲. مائة منقبة،^۲ ۳. الخرائج و الجرایح،^۳ ۴. مناقب ابن شهر آشوب،^۴ ۵. كشف الغمة،^۵ ۶. البرهان،^۶ ۷. عوالم العلوم،^۷ ۸. بحار الانوار،^۸ ۹. ریاض الابرار.^۹

ب) مصادر اهل سنت

۱. تاریخ بغداد،^{۱۰} ۲. تلخیص المتشابه.^{۱۱}

نتیجه. شواهد و متابعات یاد شده نشانه تواتر اجمالی حدیث است.

۳-۱-۲. اعتبارسنجی

بعد از اثبات تواتر اجمالی، برای بیان صحت و سقم حدیث لازم است حدیث از لحاظ سندی و متنی مورد تحلیل قرار گرفته و اعتبارسنجی شود.

۳-۱-۲-۱. تحلیل سندی

این حدیث دارای دو سلسله سند در کتب شیعه^{۱۲} و دو سلسله سند در کتب اهل سنت^{۱۳} به طور معنعن است که سرسلسله راویان حدیث، یعنی «أحمد بن علیل، عبد الله بن داود الأنصاری، موسی بن علی القرشی، قنبر بن أحمد، بلال بن حمامة» با هم مشترک

۱. فضایل امیر المؤمنین (ع)، ج ۱، ص ۱۰۵.

۲. مائة منقبة، ج ۱، ص ۱۶۶.

۳. الخرائج و الجرایح، ج ۲، ص ۵۳۶.

۴. مناقب آل أبی طالب (ع)، ج ۳، ص ۳۴۶.

۵. كشف الغمة، ج ۱، ص ۳۵۲.

۶. تفسیر البرهان، ج ۳، ص ۲۵۹.

۷. عوالم العلوم، ج ۱۱، ص ۴۰۵ و ص ۱۱۸۵.

۸. بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۲۳.

۹. ریاض الابرار، ج ۱، ص ۵۲.

۱۰. تاریخ بغداد (بشار)، ج ۵، ص ۳۴۳؛ تاریخ بغداد و ذیوله، ج ۴، ص ۴۳۱.

۱۱. تلخیص المتشابه، ج ۲، ص ۸۱۶.

۱۲. فضایل امیر المؤمنین، ج ۱، ص ۱۰۵؛ مائة المنقبة، ج ۱، ص ۱۶۶.

۱۳. تاریخ بغداد و ذیوله، ج ۴، ص ۴۳۱؛ تاریخ بغداد (بشار)، ج ۵، ص ۳۴۳.

هستند، و بعد از آن، به چهار سلسله سند تبدیل می‌شود. با بررسی شرح حال رجال اسناد و طرق تحمل آن‌ها محرز گردید برخی از افراد این اسناد مجهول الحال بوده، شرحی از آن‌ها در باب توثیق و تضعیف، ذکر نشده است. پس این حدیث مفرد مطلق و سند آن ضعیف است. به همین دلیل، برای واکاوی صحت و سقم حدیث نمی‌توان به سند این حدیث استناد کرد، بلکه باید قرائن و نشانه‌های دیگر را مورد واکاوی قرار داد.

۳-۲-۱-۲. تحلیل متنی

این حدیث دارای دو مبحث است که نیازمند تحلیل متنی و اعتبارسنجی است:

۱. ازدواج حضرت فاطمه (س) با امام علی (ع) به عنوان بشارتی از جانب خداوند به رسول اکرم (ص) در کتب معتبر قدماي فریقین در این باره احادیث زیادی وارد شده است. از مصادر شیعه می‌توان الکافی، من لایحضره الفقیه، امالی الطوسی، مناقب ابن شهر آشوب و الوافی فیض کاشانی^۱ را ذکر کرد و از مصادر اهل سنت می‌توان از تاریخ بغداد، مختصر تاریخ دمشق و مجمع الزوائد^۲ یاد کرد. احادیث در این باب در مصادر فریقین به حدی است که مضمون آن به تواتر اجمالی رسیده و تبانی بر کذب آن محال و نشانه صحت مضمونی این قسمت حدیث است.

۲. نجات محبان امام علی (ع) به واسطه موذیشان از آتش. علاوه بر قرابت مضمون این قسمت با قرآن،^۳ احادیث در این باره در کتب علمای فریقین به حد تواتر رسیده است.^۴ از طرف دیگر، از آنجایی که حضرت علی (ع) «قسیم النار و الجنة» هستند و این نکته، مورد توافق علمای شیعه^۵ و اهل سنت^۶ است، نجات شیعیان امری بعید و دور از ذهن به نظر نمی‌رسد.

-
۱. الکافی، ج ۵، ص ۳۷۸؛ من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۰۱؛ العیون، ج ۱، ص ۶۴ و ص ۲۲۵ و ج ۲، ص ۵۹، امالی الطوسی، ج ۱، ص ۲۵۷؛ مناقب آل ابی طالب (ع)، ج ۳، ص ۳۵؛ الوافی، ج ۱، ص ۳۱۵.
 ۲. تاریخ بغداد (بشار)، ج ۵، ص ۳۱۹؛ مختصر تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۷، ص ۳۴۲؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۱۲.
 ۳. سوره شوری، آیه ۳۳؛ سوره فاطر، آیه ۳۲.
 ۴. فردوس الاخبار، ج ۲، ص ۱۴۲؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۳، ص ۵۲؛ بغیة الطلب، ج ۵، ص ۲۳۱۳؛ ریاض النضره، ج ۳، ص ۱۹۰؛ نزهة المجالس، ج ۲، ص ۱۶۱؛ الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۵۳.
 ۵. الکافی، ج ۴، ص ۵۷۰؛ العیون، ج ۱، ص ۳۰؛ تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۴۹۶.
 ۶. الفایق فی غریب الحدیث، ج ۳، ص ۱۹۵؛ شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۲۶۰ و ج ۱۹، ص ۱۳۹؛ البدایة و النهایة، ج ۷، ص ۳۹۲؛ غریب الحدیث، ج ۲، ص ۲۴۳؛ النهایة فی غریب الحدیث، ج ۴، ص ۶۱؛ مناقب آل ابی طالب (ع)، ج ۱، ص ۴۱ و ۲۹۵؛ کنز العمال، ج ۱۳، ص ۱۵۲؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۲۹۸.

۳-۱-۳. رفع توهم وضع حدیث

با وجود تواتر اجمالی حدیث هفتم و وثاقت صدور آن، برخی از علمای اهل سنت به دو علت این حدیث را وضعی خوانده‌اند:

۱. به دلیل وجود رکاکت در بیان تزویج حضرت فاطمه و امام علی؛^۱
این نظر کاملاً شخصی و مخالف با قرآن و سنت نبوی است؛ زیرا در قرآن که کلام وحیانی و به دور از رکاکت است، در ۲۳ مورد از ازدواج و شرایط آن سخن گفته است.^۲ از طرف دیگر، نکاح از سنت نبوی است.^۳ با توجه به کلام قرآن و سنت نبوی نمی‌تواند ازدواج حضرت علی و فاطمه امری کیکی باشد. و این نظر مردود است.
 ۲. برخی از علمای اهل سنت با استناد به سخن خطیب بغدادی و مجهول الحال خواندن بعضی از راویان حدیث، حدیث را وضعی^۴ و غریب^۵ خوانده‌اند.
مجهول الحال بودن راویان حدیث و تفرد سند، می‌تواند دلیل وضع حدیث باشد؛ به شرط آن که قرآینی دال بر صحت حدیث وجود نداشته باشد. این حدیث دارای شواهد و قرآینی است که از صحت حدیث خبر می‌دهد؛ شواهدی همچون: موافقت مضمونی با قرآن در سوره شوری و فاطر و آیات مربوط به نکاح، موافقت مضمونی با سنت قطعی نبوی، نداشتن معارض، موافقت لفظی و معنایی با بسیاری از احادیث موجود در کتب فریقین و تواتر اجمالی آن، موافقت با ادله عقلی، موافقت با آنچه فرقه امامیه و برخی از علمای اهل سنت بر آن اجماع کرده‌اند.^۶ پس دلیل دوم بوضع حدیث نیز مردود است.
- نتیجه. این حدیث علی رغم ضعف سند، از تواتر اجمالی و وثاقت صدور برخوردار بوده و صحت آن احراز می‌گردد.

۱. سلسله الاحادیث، ج ۱۰، ص ۶۳۹.

۲. سوره بقره، آیه ۲۲۱-۲۳۰-۲۳۲-۲۳۴-۲۳۵-۲۳۷-۲۴۰؛ سوره نساء، آیه ۳-۲۱-۲۷؛ سوره هود، آیه ۷۸؛ سوره حجر، آیه ۷۱؛ سوره نور، آیه ۳-۳۳-۶۰؛ سوره احزاب، آیه ۴۷-۴۹-۵۰؛ سوره ممتحنه، آیه ۱۰.

۳. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «الْنِكَاحُ سُنتِي فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي» (جامع الأخبار، ج ۱، ص ۱۰۱؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۲۲۰).

۴. الموضوعات، ج ۱، ص ۴۰۰؛ تنزیه الشریعه، ج ۱، ص ۳۶۷؛ اللآلی المصنوعة، ج ۱، ص ۳۴۷.

۵. اسد الغابه، ج ۱، ص ۲۴۳ و ۴۱۴.

۶. سوره شوری، ۳۳؛ سوره فاطر، ۲۳.

۷. الفردوس، ج ۲، ص ۱۴۲؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۳، ص ۵۲؛ بغیة الطلب فی تاریخ حلب، ج ۵، ص ۲۳۱۳؛ ریاض النضره، ج ۳، ص ۱۹۰؛ نزهة المجالس، ج ۲، ص ۱۶۱؛ الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۵۳.

حدیث زیر نیز توسط برخی از علمای اهل سنت وضعی خوانده شده است.

۲-۳. معراج رسول الله ﷺ و رؤیت ملکی از نور امام علی علیه السلام

ابن مشهدی حدیث دهم کتاب را به نقل از کفایة الطالب، از انس روایت کرده که رسول الله ﷺ فرمود:

شیی که مرا به معراج بردند، بر ملکی گذشتم که برای او منبری از نور بود، و ملائکه او را احاطه کرده بودند. پس گفتم: یا جبرئیل، کیست این ملک؟ جبرئیل گفت: نزدیک رو، و بر او سلام کن. نزدیک رفتم، و بر او سلام کردم. دیدم که او برادر من، و پسر عم، علی بن ابی طالب است. گفتم: یا جبرئیل، علی قبل از من به آسمان چهارم آمده؟ گفت: نه یا محمد. و لیکن ملائکه از حب خود به علی بن ابی طالب، شکوه کردند. پس خدای تعالی این ملک را از نور علی بن ابی طالب، به صورت علی آفرید. ملائکه در هر شب جمعه و روز جمعه هفتاد هزار مرتبه به زیارت می آیند، و تسبیح و تقدیس خدا می کنند، و ثواب آن را به محبان علی بن ابی طالب هدیه می فرستند.^۱

۱-۲-۳. شواهد و متابعات

حدیث دهم کتاب در مصادر فریقین دارای شواهد و متابعاتی با موافقت در لفظ و معنا است که به شرح زیر است:

۱-۱-۲-۳. شواهد و متابعات در مصادر فریقین با موافقت در لفظ

حدیث دهم موجود در نسخه خطی با موافقت در لفظ در مصادر معتبر فریقین ذکر شده، که این مصادر طبق ترتیب زمانی تا عصر مؤلف در ادامه ذکر می گردد:

الف) مصادر شیعه

۱. کشف الغمه،^۲ ۲. کشف الیقین،^۳ ۳. منهاج الکرامة،^۴ ۴. ارشاد القلوب،^۵ ۵. احقاق الحق،^۶ ۶. بحار الانوار.^۷

۱. سلم درجات، ح ۱۰؛ نیز رک: کفایة الطالب، ج ۱، ص ۱۳۳

۲. کشف الغمه، ج ۱، ص ۱۳۹.

۳. همان، ص ۲۳۳.

۴. منهاج الکرامة، ج ۱، ص ۹۶.

۵. ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۲۳۳.

۶. احقاق الحق، ج ۶، ص ۱۱۶.

۷. بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۱۰۹.

ب) مصادر اهل سنت

این حدیث با همین الفاظ جز در کفایة الطالب،^۱ در کتب دیگر اهل سنت یافت نشد.

۲-۱-۲-۳. شواهد و متابعات در مصادر فریقین با موافقت در معنا

شواهد و متابعات بسیاری در مصادر شیعه همچون العیون، مناقب ابن شهر آشوب، الخرائج و الجرائح، با موافقت در معنا ذکر شده که به جهت جلوگیری از تکرار، آن شواهد و متابعات در قسمت تحلیل متنی خواهد آمد. نتیجه. وجود شواهد و متابعات برای حدیث مذکور نشان دهنده تواتر اجمالی این حدیث است.

۲-۲-۳. اعتبارسنجی

بعد از اثبات تواتر حدیث، به اعتبارسنجی سندی و متنی پرداخته می شود تا وثاقت سندی و صدور آن اثبات گردد.

۱-۲-۲-۳. تحلیل سندی

این حدیث تنها دارای یک سند به نقل از حافظ گنجی در کفایة الطالب است:^۲ در شرح سند این حدیث، علمای بزرگی همچون علامه حلی،^۳ سید هاشم بحرانی^۴ و علامه مجلسی^۵ آورده اند:

هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ عَالٍ لَمْ نَكْتُبْهُ إِلَّا مِنْ هَذَا الْوَجْهِ تَفَرَّدَ بِهِ يَزِيدُ بْنُ هَارُونَ عَنْ حُمَيْدِ الطَّوِيلِ عَنْ أَنَسٍ وَهُوَ ثِقَةٌ.

ولی با تفحص در مصادر رجالی فریقین، شرح حالی از «علی بن احمد» و «ابو محمد عبد الله بن معروف» یافت نشد و آن ها مجهول الحال هستند. از این جهت، سند دارای ضعف است. به همین دلیل با وجود نظرات علمای بزرگ شیعه در تقویت حدیث، از استناد به سند آن صرف نظر کرده و برای واکاوی صحت و سقم حدیث، به تحلیل متنی حدیث پرداخته، تا از جهت وثاقت صدور، صحت حدیث محرز گردد.

۱. کفایة الطالب، ج ۱، ص ۱۳۳.

۲. همان.

۳. کشف البقین، ج ۱، ص ۲۳۳.

۴. مدینة المعاجز، ج ۱، ص ۱۴۳.

۵. بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۱۰۹.

۳-۲-۲. تحلیل متنی

روایات فراوانی در باب خلقت ملائکه از نور در منابع فریقین وارد شده است. در برخی روایات در کتب شیعه، به خلقت موجودات، به ویژه ملائکه از نور ذوات مقدس محمد و آل محمد علیهم السلام اشاره شده است.^۱ همچنین روایاتی در میان منابع اهل سنت یافت می‌شود که به خلقت ابابکر و عمرو عایشه از نور پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره دارد.^۲ پس صرف نظر از صحت این گونه احادیث، نمی‌توان کلیت این گونه روایات را - که به روایات طینت مشهورند - به طور کلی و با صراحت تمام نفی کرد.

در قرآن بارها از فرشتگانی یاد شده که به چهره انسان درآمده و قابل رویت بوده‌اند. طبق آیات ابتدای سوره نجم، نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله، حضرت جبرئیل را به صورت اصلی او و در قالب فرشته الهی مشاهده کرده‌اند.^۳ هاروت و ماروت دو فرشته دیگر خدا در قالب چهره انسانی بودند که به دستور خدای متعال در قالب انسان درآمده‌اند تا به مردم آموزش‌هایی بدهند.^۴ دیدار حضرت مریم (س) با فرشته وحی که در قالب انسان ظاهر شده تا نوید فرزندش را دهد^۵ و دیدار حضرت ابراهیم علیه السلام با دو ملکی که برای امتحان قوم لوط به شکل انسان درآمدند،^۶ از جمله مواردی هستند که نشان می‌دهد ملائکه به اذن خداوند می‌توانند به شکل آدمی ظاهر گردند.

احادیث بسیاری موافق با معنای حدیث دهم یافت شده است که در برخی از آن‌ها با ذکر «فَخَلَقَ اللَّهُ هَذَا الْمَلَكَ مِنْ نُورٍ عَلَى صُورَةِ عَلِيٍّ»، نشان‌دهنده خلقت ملکی از نور امام علی علیه السلام است.^۷ و برخی با ذکر: «فَالْمَلَائِكَةُ تَزُورُهُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ جُمُعَةٍ وَيَوْمِ جُمُعَةٍ سَبْعِينَ أَلْفَ مَرَّةٍ... يَزُورُهُ كُلَّ يَوْمٍ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ يُسَبِّحُونَ وَيُكَبِّرُونَ» بیان می‌کنند که ملائکه به زیارت ملکی از نور علی علیه السلام می‌روند.^۸ و در تعدادی دیگر با بیان: «أَنَّ هَذَا مَلَكٌ خَلَقَهُ اللَّهُ عَلَى

۱. روح البیان، ج ۲، ص ۳۷۰.

۲. تفسیر الثعلبی، ج ۷، ص ۱۱۱.

۳. سوره نجم، آیه ۵-۱۸.

۴. سوره بقره، آیه ۱۰۲.

۵. سوره مریم، آیه ۲۰.

۶. سوره هود، آیه ۷۰ و ۷۷.

۷. مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۲۳۴؛ الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۸۱۱؛ بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۹۸.

۸. عیون الأخبار، ج ۲، ص ۱۳۱؛ رسالة العلویة، ج ۱، ص ۴۵؛ كشف اليقين، ج ۱، ص ۴۵۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۳۰۳.

ج ۳۹، ص ۱۰۹؛ ج ۱۸، ص ۳۵۳؛ ج ۱۸، ص ۳۰۰؛ ج ۲۶، ص ۳۰۵.

صُورَةَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ» و «يَزُورُهُ كُلَّ يَوْمٍ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ يُسَبِّحُونَ وَيُكَبِّرُونَ» و «ثَوَابُهُمْ لِمُحِبِّي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ» نقل می‌کنند که ملائکه ثواب زیارت خود را به شیعیان هدیه می‌کنند.^۱ و برخی از احادیث با ذکر: «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ مَلَكًا عَلَى صُورَةِ عَلِيِّ يَقَاتِلُ مَعَ الْأَنْبِيَاءِ»، خلقت ملکی را به شمایل و صورت نورانی امیرالمؤمنین علیه السلام بیان می‌کند که در همین دنیا امور رسول الله صلی الله علیه و آله و انبیاء علیهم السلام دیگر را کفایت کرده است.^۲

۳-۲-۳. رفع توهم وضع حدیث

با وجود تواتر اجمالی و وثاقت صدوری حدیث دهم، برخی از علمای اهل سنت این حدیث را کذب خوانده و علت آن را عدم تطبیق زمان معراج پیامبر صلی الله علیه و آله با غزوه تبوک بیان کرده‌اند؛^۳ بدان معنا که زمان معراج را در بازه سال‌های دهم تا دوازدهم بعثت دانسته‌اند و غزوه تبوک را - که این حدیث در آن زمان نقل شده - در سال نهم هجرت ثبت کرده‌اند. از این رو، آن‌ها به دلیل عدم تطابق تاریخی، حدیث مذکور را از درجه اعتبار ساقط می‌دانند. البته به جای این حدیث، احادیث دیگر مانند: «خلق آدم علی صورة الرحمن»، «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ عَلَى صُورَتِهِ»، «... علی صورت بنی آدم» و «... علی صورت إسرافیل» و... را به نقل از صحیحین قبول دارند.^۴

در پاسخ باید ذکر شود که با توجه به تعداد زیاد نقل این حدیث با الفاظ مختلف - که در بالا تعدادی از آن‌ها ذکر شده - و شواهد و متابعات فریقین مشخص می‌گردد که این حدیث در زمان‌های گوناگون نقل شده است و نمی‌توان پذیرفت همه احادیث منقول در غزوه تبوک صادر شده باشد. از طرف دیگر، به جهت اختلاف آرا درباره زمان معراج، مسئله تعدد معراج نیز مطرح است و نمی‌توان تنها با عدم تطبیق زمان معراج با غزوه تبوک، حدیث دهم کتاب را کذب دانسته و از اعتبار ساقط کرد.

۱. کشف الغمّة، ج ۱، ص ۱۳۹؛ کنز الفوائد، ج ۲، ص ۱۴۲؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۲۳۳ و ۲۳۴؛ مائة منقبة، ج ۱، ص ۳۲؛ بشارة المصطفی، ج ۱، ص ۱۶۰؛ کشف الیقین، ج ۱، ص ۲۳۳؛ إرشاد القلوب، ج ۲، ص ۴۸؛ صراط المستقیم، ج ۱، ص ۲۴۴؛ تأویل الآیات، ج ۱، ص ۵۱۳؛ مدینة المعاجز، ج ۳، ص ۵۱ و ج ۲، ص ۳۱۰؛ البرهان، ج ۴، ص ۷۳۶؛ کنز الدقائق، ج ۱۱، ص ۳۴۹؛ بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۹۷ و ۱۰۹.
۲. الفصول المختارة، ج ۱، ص ۹۴؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۲۴۰ و ۲۴۱؛ مدینة المعاجز، ج ۱، ص ۱۴۳؛ ج ۲، ص ۳۰۵ و ۳۰۴؛ بحار الأنوار، ج ۴۱، ص ۹۹؛ ج ۱۹، ص ۲۸۵.
۳. المستقی من منهاج الاعتدال، ج ۱، ص ۳۱۷؛ بیان تلبیس الجهمیة، ج ۶، ص ۵۸۴.
۴. تسعینیة، ج ۳، ص ۹۳۳.

نتیجه. این حدیث، صرف نظر از ضعف سند آن، به دلیل وجود شواهد و متابعات فراوان دارای تواتر اجمالی بوده و تبانی بر کذب آن محال است. همچنین به دلیل قرابت با آیات قرآن، موافقت با سنت نبوی، اجماع اکثر علما بر صحت حدیث، عدم وجود حدیث معارض و استفاضه حدیث، دارای وثاقت صدوری بوده و از صحت برخوردار است. پس وضعی بودن حدیث به دلیل عدم تطابق تاریخی توهمی بیش نیست و نباید این حدیث را به جهت وضعی خواندن برخی از علمای اهل سنت، از گردونه احادیث صحیح خارج کرد. حدیث دیگری که برخی از علمای اهل سنت آن را وضعی خوانده‌اند، حدیث زیر است:

۳-۳. رستگاری شیعیان و ضلالت دشمنان حضرت علی (ع)

ابن مشهدی در کتاب از کتاب المناقب ابن مغازلی، حدیث دوازدهم و از کتاب المناقب خوارزمی حدیث سی و ششم را به نقل از ابن عباس آورده که در آن، رسول الله (ص) فرمود:

[یا علی] تو سیدی در دنیا و سیدی در آخرت. کسی که تو را دوست دارد، مرا دوست داشته، و دوست من دوست خداست. و دشمن تو، دشمن من است، و دشمن من دشمن خداست. ویل برای کسی است که تو را بعد از من دشمن دارد.^۱

۳-۳-۱. شواهد و متابعات

این دو حدیث دارای شواهد و متابعاتی در همین کتاب و در مصادر فریقین است که عبارت‌اند از:

۳-۳-۱-۱. شواهد و متابعات فریقین در نسخه خطی با موافقت در معنا

ابن مشهدی در همین کتاب، احادیثی به نقل از رسول الله (ص) آورده که از جهت معنایی از شواهد و متابعات احادیث مذکور بوده که به شرح زیر است:

۱... در روز قیامت منادی بارها صدا می‌زند: «أَيْنَ الْبَقِيَّةِ مِنْ مُحِبِّي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع)؟» و هربار تعدادی از محبان اهل بیت (ع) در سطوح مختلف عبادی، به اذن خدا و در سایه شفاعت امام علی (ع) وارد بهشت می‌شوند...^۲

۲... چون قیامت به اهلش قرار گیرد، ملائکه با محبی از محبان ما ملاقات نکنند، مگر آن که به او نوشته‌ای دهند که در آن برائت از آتش است.^۳

۱. سلم درجات، ح ۱۲ و ۳۶؛ نیز رک: المناقب (ابن مغازلی)، ج ۱، ص ۱۷۲-۱۷۳؛ المناقب (خوارزمی)، ج ۱، ص ۳۲۸.

۲. رک: سلم درجات، ح ۲؛ نیز رک: تفسیر منسوب به امام عسکری (ع)، ج ۱، ص ۱۰۸.

۳. سلم درجات، ح ۷؛ نیز رک: الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۵۳۶.

۳. کسی که مصافحه کند با دوست دار علی، خدا جمیع گناهانش را می‌آمرزد و بی حساب داخل بهشت می‌کند.^۱

۵. یا علی شیعه تو در بهشت اند. و دوست داران شیعه تو در بهشت اند. و دشمن و غالی تو در آتش است.^۲

۶. پس وحی کرد خدای تعالی به ملائکه خود: ... قسم خورده‌ام به عزت خود که داخل بهشت کنم کسی را که اطاعت علی کند، اگر چه معصیت من از او صادر شده باشد. و قسم خورده‌ام به عزت خود که داخل آتش کنم کسی را که مخالفت علی کند، و عاصی بر او شود، اگر چه اطاعت من کرده باشد.^۳

۷. یا علی، تو و شیعه تو بدون حساب به بهشت وارد شوید.^۴

۸. علی بن ابی طالب حلقه‌ای به در بهشت است. کسی که به آن آویخته، داخل بهشت می‌شود.^۵

۳-۱-۲. شواهد و متابعات در مصادر فریقین با موافقت در لفظ

احادیث مذکور، در مصادر مهم قدمای فریقین دارای شواهد و متابعاتی است که از نظر لفظ با آن موافقت دارد که به ترتیب زمانی، تا عصر مؤلف به شرح زیر است:

الف) مصادر شیعه

۱. المسترشد، ۲؛ شرح الأخبار، ۳^۷، الأمالی، ۴^۸، بشارة المصطفی، ۵^۹، مناقب ابن شهر آشوب، ۶^{۱۰}، كشف الغمة، ۷^{۱۱}، عمدة العیون، ۸^{۱۲}، كشف الیقین، ۹^{۱۳}، غرر الأخبار، ۱۴^{۱۴}، بحار الأنوار، ۱۵^{۱۵}.

۱. سلم درجات، ح ۲۶؛ نیزرک: المناقب (خوارزمی)، ج ۱، ص ۳۱۷.
۲. سلم درجات، ح ۲۷؛ نیزرک: المناقب (ابن مغازلی)، ج ۱، ص ۳۱۸.
۳. سلم درجات، ح ۲۹؛ نیزرک: المناقب (ابن مغازلی)، ج ۱، ص ۳۱۹.
۴. سلم درجات، ح ۳۲؛ نیزرک: المناقب (ابن مغازلی)، ج ۱، ص ۳۵۲.
۵. سلم درجات، ح ۳۵؛ نیزرک: المناقب (ابن مغازلی)، ج ۱، ص ۳۲۵.
۶. المسترشد، ص ۲۸۶.
۷. شرح الأخبار، ج ۱، ص ۱۵۴ و ج ۲، ص ۳۸۰.
۸. أمالی الطوسی، ج ۱، ص ۳۰۹.
۹. بشارة المصطفی، ج ۱، ص ۱۶۰ و ص ۲۰۸.
۱۰. مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۳.
۱۱. كشف الغمة، ج ۱، ص ۹۴.
۱۲. عمدة العیون، ج ۱، ص ۲۶۳.
۱۳. كشف الیقین، ج ۱، ص ۳۰۲.
۱۴. غرر الأخبار، ج ۱، ص ۲۲۴.
۱۵. بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۲۵۰.

ب) مصادر اهل سنت

۱. فضائل الصحابة،^۱ ۲. المستدرک،^۲ ۳. شرح أصول الاعتقاد،^۳ ۴. الفردوس،^۴ ۵. تاریخ بغداد،^۵ ۶. المناقب (ابن المغازلی)،^۶ ۷. ذخيرة الحفاظ،^۷ ۸. تاریخ مدينة دمشق،^۸ ۹. سير السلف الصالحين،^۹ ۱۰. المناقب (خوارزمی)،^{۱۰} ۱۱. رياض النضره،^{۱۱} ۱۲. العلل المتناهیة،^{۱۲} ۱۳. تاریخ اسلام ذهبی.^{۱۳}

۳-۲-۳. شواهد و متابعات در مصادر فریقین با موافقت در معنا

در مصادر فریقین شواهد و متابعاتی وجود دارد که به جهت اختصار تنها دو مورد آن ذکر می‌گردد:

۱. طبرانی مضمون حدیث را با دو طریق از ام سلمه^{۱۴} و یک طریق از ابی رافع^{۱۵} و یک طریق از ابن عمر^{۱۶} نقل کرد.^{۱۷}
۲. هیشمی حدیث را به نقل از ام سلمه،^{۱۸} ابن عباس^{۱۹} و ابی رافع^{۲۰} نقل کرده است. به جهت بررسی اعتبار احادیث، علاوه بر اثبات تواتر حدیث، لازم است اعتبارسنجی سندی و متنی نیز صورت گیرد.

۳-۳-۲. اعتبارسنجی

برای بیان اعتبار احادیث، باید سند و متن احادیث تحلیل نیز گردد که در زیر به این مهم پرداخته می‌شود:

۳-۲-۳-۱. تحلیل سندی

این حدیث به دو طریق از علمای شیعه و ده طریق از شش تن از علمای اهل سنت، از ابوالاثر، از عبدالرزاق، از معمر از زهری، از عبیدالله بن عبدالله، از ابن عباس به طور معنعن

- | | |
|--|-------------------------------------|
| ۱. فضائل الصحابة، ج ۲، ص ۶۴۲. | ۲. المستدرک علی صحیحین، ج ۳، ص ۱۳۸. |
| ۳. شرح أصول الاعتقاد، ج ۸، ص ۱۴۶۱. | ۴. الفردوس، ج ۵، ص ۳۲۴. |
| ۵. تاریخ بغداد و ذیوله، ج ۴، ص ۲۶۱. | ۶. المناقب (ابن مغازلی)، ص ۴۴۷. |
| ۷. ذخيرة الحفاظ، ج ۲، ص ۷۸۱. | ۸. تاریخ مدينة دمشق، ج ۴۲، ص ۲۹۱. |
| ۹. سير السلف الصالحين، ص ۱۹۴. | ۱۰. المناقب (خوارزمی)، ج ۱، ص ۳۲۸. |
| ۱۱. رياض النضره، ج ۳، ص ۱۲۲. | ۱۲. العلل المتناهیة، ج ۱، ص ۲۱۸. |
| ۱۳. تاریخ الإسلام (تدمری)، ج ۲۰، ص ۴۰. | ۱۴. المعجم الكبير، ج ۲۳، ص ۳۸۰. |
| ۱۵. همان، ج ۱، ص ۳۱۹. | ۱۶. همان، ج ۱۲، ص ۴۲۳. |
| ۱۷. همان، ج ۶، ص ۲۳۹. | ۱۸. مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۳۲. |
| ۱۹. همان، ص ۱۳۳. | ۲۰. همان، ص ۱۳۱. |

نقل شده است که نتیجه تحلیل اسناد به شرح زیر است:

۱. حدیث منقول شیخ طوسی در الامالی دارای راویان مورد تأیید و سند مقبول است.^۱
 ۲. حدیث منقول طبری در بشارة المصطفی دارای دو راوی مجهول الحال است.^۲
 ۳. دو طریق حدیث ابن مغازلی در المناقب، دارای یک راوی مجهول الحال است.^۳
 ۴. همه راویان حدیث منقول خوارزمی در المناقب مورد وثوق هستند.^۴
 ۵. حدیث ابن حنبل در فضایل الصحابه دارای یک راوی مجهول است.^۵
 ۶. حاکم نیشابوری در المستدرک از سه طریق، حدیث را نقل کرده که دو راوی هر سه طریق مجهول الحال هستند.^۶
 ۷. ابن عساکر در تاریخ مدینة دمشق از دو طریق نقل حدیث کرده که دو راوی آن مجهول الحال هستند.^۷
 ۸. ابن جوزی در العلل حدیث را نقل کرده و راویان حدیث مورد تأیید هستند.^۸
- برخی از علمای اهل سنت نیز نسبت به اسناد این حدیث شرحی ذکر کرده اند؛ به عنوان مثال: ابن هیثم احادیث هم مضمون زیادی به نقل از طبرانی با شرحی برسلسله سند آن ذکر کرده که حدیث منقول از ام سلمه را حسن^۹ و همه راویان سند منقول از ابن عباس به جز معمر را ثقه دانسته؛ زیرا برادرزاده او رافضی بوده است. به همین علت به ضعف سند حکم داده است.^{۱۰} همچنین او همه رجال سند منقول از احمد بن حنبل را از ثقات دانسته^{۱۱} و حدیث هم مضمون دیگری از ابی عبدالله جدلی، از ام سلمه نقل کرده و در شرح آن نوشته است که ابی عبدالله جدلی را از رجال احمد نمی داند، ولی او را مانند رجال احمد

۱. أمالی الطوسی، ج ۱، ص ۳۰۹.

۲. بشارة المصطفی، ج ۱، ص ۱۶۰ و ص ۲۰۸.

۳. المناقب (ابن مغازلی)، ج ۱، ص ۱۷۲-۱۷۳.

۴. المناقب (خوارزمی)، ج ۱، ص ۳۲۸.

۵. فضائل الصحابة، ج ۲، ص ۶۴۲.

۶. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۳۸.

۷. تاریخ مدینة دمشق، ج ۴۲، ص ۲۹۱.

۸. العلل المتناهية، ج ۱، ص ۲۱۸.

۹. مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۳۲.

۱۰. همان، ص ۱۳۳.

۱۱. همان، ص ۱۲۹.

ثقه می‌داند.^۱ او همین حدیث را به نقل از طبرانی از ابی رافع در کتاب خود آورده و دو تن از راویان آن را ضعیف دانسته است^۲ و به دنبال آن، پنج حدیث دیگر در همین مضمون از سلمان، ابن عباس و عمران بن حصین نقل کرده است.^۳

در استفاضه این سند باید ذکر شود که دست‌کم این روایت از دوازده طریق گوناگون از ابن عباس ذکر شده که راویان حدیث از ابوالاثر تا انتهای سند به اجماع علما ثقه هستند، ولی در ابتدای سند، افرادی مجهولی هستند که توثیق و تضعیفی نسبت به آن‌ها نشده است. اگر فرض کنیم که همه این اسناد مشکل داشته باشند، باز هم نمی‌توانیم از حجیت آن دست برداریم؛ زیرا بر مبنای قواعد علم رجال اهل سنت، اگر سند روایت از سه عدد گذشت، حتی اگر همه راویان آن ضعیف باشند، هم دیگر را تقویت کرده و حجت می‌شود.^۴ و از مسائل ثابت شده در علم رجال این است که سند های متعدد در صورتی که در سلسله سند فرد متهمی نباشد، یک دیگر را تقویت می‌کنند.^۵ در اسناد یاد شده نیز هیچ کدام از راویان متهم نیستند. از طرف دیگر، ابن تیمیه می‌نویسد:

زیادی و تعدد راه‌های نقل حدیث برخی، برخی دیگر را تقویت می‌کند که خود زمینه علم به آن را فراهم می‌کند؛ اگر چه راویان آن فاسق و فاجر باشند.^۶

نتیجه. طبق قواعد علم رجال و نتایج به دست آمده از تحلیل اسناد این حدیث از وثاقت سندی برخوردار است.

۳-۲-۲. تحلیل متنی

علما نسبت به این حدیث سه رویکرد دارند:

۱. جمیع علمای شیعه و برخی از علمای اهل سنت با استناد به نقل حاکم نیشابوری، این حدیث را صحیح دانسته‌اند.

۲. برخی با قرار دادن این حدیث کنار احادیث صحیح دیگر، براءتبار آن صحه

۱. همان، ص ۱۳۰.

۲. همان، ص ۱۳۱.

۳. همان، ص ۱۳۳.

۴. عمدة القاری، ج ۳، ص ۳۰۷؛ مجموع الفتاوی، ج ۱۸، ص ۲۶.

۵. إرواء الغلیل، ج ۱، ص ۱۶۰.

۶. مجموع الفتاوی، ج ۱۸، ص ۲۶.

گذاشته‌اند؛ مثل احمد بن حنبل،^۱ ابن عساکر،^۲ اسماعیل بن محمد اصبهانی،^۳ خوارزمی،^۴ ابن مغازلی،^۵ دیلمی^۶ و محب الدین طبری.^۷

۳. ذهبی این حدیث را منکر،^۸ ابن تیمیه آن را کذب و باطل^۹ و خطیب بغدادی آن را وضعی^{۱۰} خوانده‌اند.

۳-۳-۳. رفع توهم وضع حدیث

علت تکذیب علمای اهل سنت، استناد به نظر خطیب بغدادی و ذهبی است که به دلایل زیر حدیث را تضعیف کرده‌اند:

۱. انفراد حدیث: هر چند خطیب بغدادی حکم به انفراد ورد حدیث داده، ولی حاکم نیشابوری، یکی دیگر از علمای اهل سنت، در شرح حدیث بیان کرده است که به اجماع تمامی علما، ابوالاثره ثقه بوده و وقتی فرد ثقه‌ای خبر واحدی را نقل کند، آن خبر صحیح است.^{۱۱} پس انفراد حدیث به خودی خود نشانه ضعف حدیث نیست.
۲. رافضی بودن برادرزاده ابوالاثره: اگر قرار باشد به خاطر برادرزاده رافضی معمر این حدیث رد شود، پس کلاً تمامی احادیث منقول از معمر و کتابش نیز باید مورد تشکیک واقع شود. در این صورت، بسیاری از احادیث اهل سنت که یکی از راویان آن معمر است و علمای اهل سنت به صحت آن حکم داده‌اند، از درجه صحت و اعتبار ساقط خواهد شد؛ در حالی که علمای اهل سنت معمر را فردی ثقه و بسیاری از احادیث او را صحیح می‌دانند.^{۱۲}
۳. انکار حدیث توسط یحیی بن معین: در شرح این حدیث در کتب اهل سنت، نظر

۱. فضائل الصحابة، ج ۲، ص ۶۴۲.

۲. تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۲۹۱.

۳. سیر السلف الصالحین، ص ۱۹۴.

۴. المناقب (خوارزمی)، ج ۱، ص ۳۲۸.

۵. المناقب (ابن مغازلی)، ص ۴۴۷.

۶. فردوس الاخبار، ج ۵، ص ۳۲۴.

۷. ریاض النضره، ج ۳، ص ۱۲۲.

۸. تاریخ الإسلام (تدمری)، ج ۲۰، ص ۴۰.

۹. العلل المتناهیه، ج ۱، ص ۲۱۸؛ منهاج السنة، ج ۴، ص ۳۷-۴۲.

۱۰. تاریخ بغداد و ذیوله، ج ۴، ص ۲۶۱.

۱۱. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۳۸.

۱۲. مسند احمد، ج ۱۳، ص ۲۲۱.

یحیی بن معین نسبت به این حدیث ذکر شده که خلاصه آن بدین شرح است: یحیی بن معین ابتدا به دلیل انفراد حدیث، آن را انکار کرده و ابوالاظهر (ناقل حدیث) را مورد عتاب قرار داد، ولی بعد از شنیدن دلایل ابوالاظهر درباره علت انفراد حدیث، به صحت حدیث اعتراف کرده و از ابوالاظهر عذرخواهی کرد.^۱ کسانی که این حدیث را به دلیل انکار یحیی بن معین وضعی می‌دانند، یقیناً ادامه شرح حدیث را مطالعه نکرده‌اند؛ زیرا در صورت مطالعه و تحقیق کامل، اعتراف یحیی بن معین نسبت به صحت این حدیث را دیده و نظریه انکار یحیی بن معین و وضعی بودن حدیث نمی‌دادند.

بدین ترتیب، هر سه دلیل مبنی بروضعی خواندن حدیث، غیر قابل قبول بوده، توهم وضع حدیث منتفی است.

نتیجه. علاوه بر تواتر اجمالی و وثاقت سندی، این حدیث به دلایل قرابت مضمونی با آیه ۲۳ سوره شوری، موافقت با سنت نبوی، اجماع علمای شیعه و اکثریت علمای اهل سنت، موافقت با ادله عقلی، نداشتن معارض و استفاضه حدیث، از وثاقت صدوری برخوردار بوده و صحت حدیث احراز و توهم وضع حدیث منتفی می‌گردد.

چهارمین حدیثی نسخه خطی که برخی از علمای اهل سنت آن را وضعی تلقی کرده‌اند، در ادامه ذکر می‌گردد:

۳-۴. اعتراف عقیق به وحدانیت خداوند، نبوت نبی اکرم ﷺ و ولایت ابی الانمه علیه السلام

ابن مشهدی در کتاب خود از المناقب خوارزمی، حدیث نوزدهم را به نقل از سلمان آورده که در آن، رسول الله ﷺ به حضرت علی علیه السلام فرمود: خاتم در دست راست کن تا از جمله مقربین باشی. علی گفت: یا رسول الله، مقربین کیانند؟ فرمود: جبرئیل و میکائیل. علی گفت: چه چیزی را خاتم کنم؟ فرمود: عقیق سرخ را که آن اول سنگی است که اقرار کرد برای خدا به وحدانیت، و برای من به نبوت، و برای توبه وصایت، و برای اولاد توبه امامت، و برای محبان توبه بهشت، و برای شیعه اولاد توبه فردوس.^۲

۳-۴-۱. شواهد و متابعات

حدیث نوزدهم دارای شواهد و متابعاتی در همین کتاب و مصادر فریقین است که عبارت‌اند از:

۱. همان.

۲. المناقب (خوارزمی)، ج ۱، ص ۳۲۷.

۳-۴-۱. شواهد و متابعات فریقین در همین کتاب با موافقت در معنا

حدیث هیجدهم همین کتاب از جهت معنایی از شواهد و متابعات حدیث مذکور است که رسول الله ﷺ فرمود:

... عقیق به دست کنید؛ زیرا آن اول سنگی است که شهادت داد برای خدا به وحدانیت، و برای من به نبوت، و برای علی به وصیت، و برای اولاد او به امامت، و برای شیعه او به بهشت.^۱

۳-۴-۲. شواهد و متابعات در مصادر فریقین با موافقت در لفظ

این حدیث دارای شواهد و متابعات در مصادر معتبر قدامی فریقین است که از لحاظ لفظ با حدیث نوزدهم موافقت دارد. این مصادر به ترتیب زمانی، تا زمان مؤلف به شرح زیر است:

الف) مصادر شیعه

۱. علل الشرائع،^۲ مکارم الاخلاق،^۳ بناء المقالة،^۴ غرر الأخبار،^۵ الصراط المستقیم،^۶ إثبات الهداة،^۷ مدینة المعاجز،^۸ بحار الأنوار،^۹ احقاق الحق،^{۱۰} الاربعین.^{۱۱}

ب) مصادر اهل سنت

۱. حدیث أبی القاسم الحلبي،^{۱۲} ۲. المناقب خوارزمی.^{۱۳}

۱. سلم درجات، ح ۱۸؛ نیز رک: المناقب (ابن مغازلی)، ج ۱، ص ۳۴۶.
 ۲. علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۵۸.
 ۳. مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۸۷.
 ۴. بناء المقالة، ج ۱، ص ۴۳۰.
 ۵. المناقب (خوارزمی)، ج ۱، ص ۳۲۷.
 ۶. الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۳۴.
 ۷. إثبات الهداة، ج ۲، ص ۳۰۱.
 ۸. مدینة المعاجز، ج ۱، ص ۴۲۳.
 ۹. بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۲۸۰ و ج ۴۲، ص ۶۹.
 ۱۰. إحقاق الحق، ج ۴، ص ۸۸.
 ۱۱. اربعین (مفید شیرازی)، ج ۱، ص ۱۲۵.
 ۱۲. حدیث أبی القاسم الحلبي، ج ۱، ص ۳۴.
 ۱۳. المناقب (خوارزمی)، ج ۱، ص ۳۲۷.

۳-۴-۱. شواهد و متابعات در مصادر فریقین با موافقت در معنا

شواهد و متابعات حدیث مذکور در مصادر معتبر فریقین با موافقت در معنا به شرح زیر است:

الف) مصادر شیعه

۱. کلینی در الکافی بابی به نام «باب عقیق» دارد که مضمون حدیث با عباراتی همچون «الْعَقِيقُ يَنْفِي الْفَقْرَ»، «...يَنْفِي النَّفَاقَ»، «...فَإِنَّهُ مُبَارَكٌ»، «...يُوشِكُ أَنْ يُقْضَى لَهُ بِالْحُسْنَى»، «...لَمْ يَفْتَقِرُوا لَمْ يُقْضَ لَهُ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»، «...قُضِيََتْ حَوَائِجُهُ»، «أَمَانٌ فِي السَّفَرِ» و «...فَإِنَّهُ يَخْرُسُ مِنْ كُلِّ سُوءٍ» آمده است.^۱

۲. صدوق در الفقیه و العیون بدون سند و در العلل با سند، حدیث مذکور را نقل کرده،^۲ و در جای دیگر از العیون با ذکر «فانه لا یصیب احدکم غم مادام ذلک علیه»^۳ از عقیق یاد کرده است.

۳. طوسی با ذکر سند از ابی جعفر (ع) و در جای دیگر از رسول الله (ص) مضمون حدیث را بیان کرده است.^۴

۴. عبدالله مامقانی از ابن ابی عمیر، از امام رضا (ع) نقل کرده است:

يَتَخَمَّ بِيَمِينِهِ وَهُوَ عَلَامَةٌ لِشِيعَتِنَا يُعْرِفُونَ بِهِ.^۵

۵. طبرسی بعد از ذکر مضمون حدیث^۶ از محسنات استفاده از عقیق آورده است: «... فَإِنَّهُ يَخْرُسُ مِنْ كُلِّ سُوءٍ»؛ «لم يزل ينظر إلى الحسنی مادام فی یده»؛ «ينفي الفقر»، «يوشك أن يقضى له بالحسنی»؛ «ختم الله له بالامن والايمان».^۷

ب) مصادر اهل سنت

دیلمی و فرزندش این حدیث را به نقل از عمرو حضرت علی (ع) آورده اند.^۸ همچنین علمای دیگر اهل سنت همچون: ابن عساکر، خطیب، بیهقی، عقیلی، سیوطی، ابن جوزی

۱. الکافی، ج ۶، ص ۴۷۱.

۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۷۴؛ علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۵۸؛ العیون، ج ۱، ص ۷۵.

۳. العیون، ج ۱، ص ۵۱.

۴. أمالی الطوسی، ج ۱، ص ۳۸ و ۸۲۱.

۵. همان، ج ۱، ص ۳۱۱ و ۸۱۴.

۶. مرآة الکمال، ج ۱، ص ۹۸.

۷. مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۸۷.

۸. همان.

۹. التعلیق الرشید، ج ۱، ص ۲۳؛ کشف الخفاء، ج ۱، ص ۳۴۵.

مضمون این حدیث را برخی به جهت تأیید و برخی به جهت تکذیب ذکر کرده‌اند.^۱ نتیجه. شواهد و متابعات فراوان در مصادر فریقین نشانه تواتر اجمالی این حدیث است.

۳-۴-۲. اعتبارسنجی

بعد از اثبات تواتر حدیث، به اعتبارسنجی سندی و متنی پرداخته می‌شود تا وثاقت سندی و صدور آن احراز گردد.

۳-۴-۲-۱. تحلیل سندی

این حدیث از دو طریق از سلمان نقل شده که سند منقول در علل الشرایع به دلیل وجود «سعید بن مرثد» مهمل^۲ و سند المناقب خوارزمی به دلیل وجود تعدادی از افراد مجهول، همچون «أبو القاسم اسماعیل بن محمد»، «أبو عبد الله محمد بن عبد الرحمان» و «أبو أحمد العباس بن الفضل» قابل تحلیل نیست.^۳

۳-۴-۲-۲. تحلیل متنی

به جهت تحلیل متنی حدیث و اثبات وثاقت صدور آن لازم است ابتدا دلایل وضعی خواندن حدیث بررسی شود تا پس از رفع توهم وضع، وثاقت صدور اثبات گردد.

۳-۴-۳. رفع توهم وضع حدیث

برخی از علمای اهل سنت دلایلی برای وضعی خواندن این حدیث ذکر کرده‌اند که به شرح زیر است:

۱. ابراهیم ناجی به نقل از ابن جوزی حدیث را به دلیل وجود مالک در سند، صحیح نمی‌داند.^۴

۲. عجلونی ضعف راویان را علت تکذیب حدیث بیان می‌کند.^۵

۳. ابولحیه به جهت تکذیب، دلایلی را ذکر کرده است:

- ضعف راویان سند،

- عدم ذکر حدیث در کتب اربعه شیعه،

۱. کشف الخفاء، ج ۱، ص ۳۴۴.

۲. علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۵۸؛ بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۲۸۰؛ ج ۴۲، ص ۶۹.

۳. المناقب (خوارزمی)، ج ۱، ص ۳۲۶.

۴. التعلیق الرشید، ج ۱، ص ۱۲.

۵. کشف الخفاء، ج ۱، ص ۳۴۴.

- عدم ذکر چنین احادیثی توسط شیخ صدوق در کتبش،
 - عدم اختیار نباتات و جمادات و حیوانات در قبول ولایت تکوینی،
 - و نظرات شخصی دیگر که مستدل به ادله قرآن و سنت و عقل و اجماع نیست.^۱
 پاسخ. این که ضعف راویان حدیث، سبب ضعف سند می شود، مورد قبول است، ولی دلیل
 تامه برای تکذیب حدیث نیست. در چنین مواردی باید با تشکیل خانواده حدیث و با تکیه برقراین
 و نشانه ها، متن حدیث نیز مورد تحلیل قرار گیرد تا صحت و سقم حدیث محرز گردد.
 در پاسخ به دلایل ابولحیه باید گفت که این حدیث با الفاظ گوناگون در کتب اربعه و
 کتاب های شیخ صدوق ذکر شده است. نیز دلایل او نشانه عدم تفحص کافی در کتب و
 نظرات علمای شیعه است.

همچنین، عدم اختیار جمادات و نباتات نیز دلیل متقنی برای رد این حدیث نیست؛
 زیرا در قرآن نیز امانت بر آسمان و زمین و کوه ها^۲ عرضه شده است. اگر بحث عدم اختیار در
 میان بود، چنین عرضه ای از جانب خدا و عدم قبول امانت از جانب جمادات در قرآن نیز
 معنایی نداشت.

نتیجه. این حدیث با وجود ضعف سند، به دلیل تواتر اجمالی و وجود قراین و نشانه هایی
 همچون: قرابت با آیات قرآن، موافقت مضمونی با سنت نبوی، روایات متعدد با سندهای
 گوناگون، نقل روایت از ابن ابی عمیر،^۳ استفاضه روایت و نداشتن معارض، از وثاقت
 صدوری برخوردار بوده و در نزد علما مورد قبول است.

۴. نتایج

۱. برخی از احادیث کتاب به دلیل وجود راویان مجهول الحال در اسناد آن، وثاقت
 سندی ندارند.

۲. همه احادیث کتاب، به دلیل وجود قراین و نشانه های مطرح شده توسط علمای
 فریقین دارای وثاقت صدوری هستند.

۱. منابع الهدایه، ج ۱، ص ۲۹۳.

۲. «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا»
 (سوره احزاب، آیه ۷۲).

۳. اگر روایتی را شخصیت هایی چون: محمد بن ابی عمیر، صفوان بن یحیی و احمد بن محمد بن ابی نصر بن زنی روایت
 کنند، دلیل بردستی و اعتبار آن روایت است؛ زیرا شیخ طوسی در کتاب عدة الاصول به روشنی بیان می کند که این
 سه، روایت ارسال نمی کنند، مگر از افراد مورد اعتماد... (عدة الاصول، ج ۱، ص ۱۵۴).

۳. با وجود شواهد و متابعات فراوان در مصادر فریقین، همه احادیث دارای تواتر اجمالی هستند.
۴. علمای شیعه در قبول احادیث مذکور اتفاق نظر داشته، ولی علمای اهل سنت در قبول این گونه احادیث متفق القول نیستند. یقیناً اتفاق نظر علمای شیعه بر اختلاف نظر علمای اهل سنت رجحان دارد و نمی‌توان به واسطه نظر برخی از علمای اهل سنت، احادیث مذکور را وضعی خواند و از اعتبار ساقط کرد.
۵. با توجه به این که همه روایات به دلیل تواتر اجمالی و وثاقت صدور از اعتبار برخوردار است، می‌توان نتیجه گرفت که ضعف اسناد به تنهایی دلیل متقنی برای رد، تضعیف و یا وضعی خواندن احادیث نیست.
۶. دلایل علمای اهل سنت در موضوع خواندن احادیث شامل ضعف اسناد، رکاکت لفظ، عدم تطابق تاریخی و عدم اختیار جمادات و نباتات است که با بیان دلایل عقلی و نقلی این نظرات مردود و پرده از تشکیک و تردیدها برداشته و صحت احادیث اثبات شد. و بدین ترتیب، توهم وضع احادیث مذکور منتفی گردید.

کتابنامه

- قرآن کریم
- إثبات الهداة، محمد بن حسن خُزْعاملی، با مقدمه مرعشی نجفی، بیروت: مؤسسة الأعلمی، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
- إحقاق الحق و إزهاق الباطل، قاضی نورالله شوشتری، قم: مکتبه مرعشی نجفی، ۱۴۰۹ق.
- إرشاد القلوب، حسن بن محمد دیلمی، قم: شریف رضی، چاپ اول، ۱۴۱۲ق،
- إرواء الغلیل، محمد ناصرالبانی، به إشراف زهیر شاویش، بیروت: مکتب اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۰۵.
- أسد الغابة، عزالدین علی بن محمد بن اثیر، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۹ق / ۱۹۸۹م.
- الأمالی، محمد بن حسن طوسی، مصحح: مؤسسة البعثة، قم: دارالثقافة، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
- البرهان فی تفسیر القرآن، هاشم بن سلیمان بحرانی، قم: موسسه البعثة، بی تا.
- بشارة المصطفی لشيعة المرتضى، عمادالدین محمد طبری آملی، نجف: المطبعة الحیدریة، ۱۳۸۳ق.

- بغية الطلب في تاريخ حلب، عمر بن أحمد بن عديم، تصحيح: سهيل زكار، بيروت: دار الفكر، بی تا.
- بناء المقالة الفاطمية، أحمد بن موسى بن طاووس، تصحيح: علي عدنانی، قم: مؤسسة آل البيت، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
- بيان تلبیس الجهمية، ابن تیمیه أحمد بن عبد الحلیم حرانی، مجمع ملک فهد، چاپ اول، ۱۴۲۶ق.
- تاريخ الإسلام، محمد بن أحمد ذهبي، تصحيح: بشار عواد معروف، دار الغرب الإسلامي، چاپ اول، ۲۰۰۳م.
- تاريخ بغداد و ذیوله، أحمد بن علی بغدادی، تصحيح: مصطفى عبد القادر عطا، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
- تاريخ مدينة دمشق، علی بن الحسن ابن عساكر، تصحيح: عمرو بن غرامة عمروی، دار الفكر، ۱۴۱۵.
- تأویل الآيات، شرف الدین علی حسینی استرآبادی، استاد حسین ولی، قم: مؤسسة نشر إسلامی، ۱۴۰۹ق.
- تدريب الراوی فی شرح تقریب النوای، جلال الدین ابوبکر سیوطی، تصحيح: أبو قتیبة نظر محمد الفاریابی، بی جا: دار طيبة، بی تا.
- التسعينية، ابن تیمیه أحمد بن عبد الحلیم حرانی، تصحيح: محمد العجلان، ریاض: مكتبة المعارف، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
- التعليق الرشيق فی التختم بالعقيق، إبراهيم بن محمد ناجی، تصحيح: جمال عزون، دار التوحيد، چاپ اول، ۱۴۲۹ق.
- تفسير منسوب به امام عسكري، ابی محمد حسن بن علی عسكري رحمته الله، قم: مدرسه إمام مهدي، ۱۴۰۹ق.
- تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، محمد قمي مشهدي، قم: دار الغدير، ۱۴۲۳ق.
- تفسير نور الثقلين، عبد علی بن جمعة عروسی حویزی، تصحيح: هاشم رسولی محلاتی، قم: اسماعيلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ق.
- تفصيل وسائل الشيعة، محمد بن حسن حر عاملی، تصحيح: عبد الرحيم رباني شیرازی، بيروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.

- تنزیہ الشریعة المرفوعة، ابن عراق علی بن محمد کنانی، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۳۹۹ق.
- التوحید، محمد بن علی صدوق، تصحیح: هاشم حسینی طهرانی، قم: جماعة مدرّسین حوزه علمیه، بی تا.
- الحاوی للفتاوی، عبد الرحمن بن أبی بکر سیوطی، بیروت: دار الفکر، ۱۴۲۴ق.
- حدیث أبی القاسم الحلّی، إسماعیل بن القاسم حلّی خیاط، مخطوط نُشر فی برنامہ جوامع الکلم، چاپ اول، ۲۰۰۴م.
- حلیۃ الأبرار فی أحوال محمد و آله الأطهار، هاشم بن سلیمان بحرانی، مؤسسة معارف اسلامیة، بی تا.
- الخرائج و الجرائح، قطب الدین راوندی، قم: مؤسسه امام مهدی به اشراف محمد باقر الابطحی، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
- دانشنامہ قرآن و حدیث، محمد محمدی ری شهری، قم: دارالحدیث، نوبت اول، ۱۳۹۰ش.
- ذخیرة الحفاظ، محمد بن طاهر مقدسی شیبانی، تصحیح: عبد الرحمن فریوائی، ریاض: دار السلف، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
- رجال الشیعة فی أسانید السنّة، محمّد جعفر طبسی، مؤسسة معارف اسلامیّة، بی تا.
- رجال علامة حلّی، حسن بن یوسف حلّی، تصحیح: محمد صادق بحر العلوم، نجف: دار الذخائر، چاپ دوم، ۱۴۱۱ق.
- رجال النجاشی، احمد بن علی نجاشی، تصحیح: موسی شبیری زنجانی، قم: مؤسسه نشر اسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۱۶ق.
- روح البیان، إسماعیل حقّی بن مصطفیٰ استانبولی حنفی، بیروت: دار الفکر، بی تا.
- ریاض الابرار فی مناقب الأئمة الأطهار، نعمت الله جزایری، بیروت: مؤسسة تاریخ عربی، ۱۴۲۷ق.
- ریاض النضرة فی مناقب العشرة، أحمد بن عبد الله طبری، دار الکتب العلمیة، چاپ دوم، بی تا.
- زیادات الجامع الصغیر، عبد الرحمن بن أبی بکر سیوطی، تصحیح: حسن رامز خالد، ریاض: مكتبة المعارف چاپ اول، ۱۴۳۱.

- سیر السلف الصالحین، إسماعیل بن محمد أصفهانی، تصحیح: کرم بن حلمی، ریاض: دار
الرأیة، بی تا.
- شرح أصول اعتقاد، هبة الله بن الحسن طبری رازی لالکائی، تصحیح: أحمد غامدی،
سعودی: دار طيبة، چاپ هشتم، ۱۴۲۳.
- شرح الأخبار، نعمان بن محمد بن حیون، تصحیح: محمد حسینی جلالی، قم: مؤسسة نشر
إسلامی، ۱۴۰۹.
- الصراط المستقیم إلى مستحقى التقديم، علی بن یونس نباطی، تصحیح: محمد باقر بهبودی،
تهران: مکتبه المرتضویه، ۱۳۸۴ ش.
- العدة فی الاصول الفقه، أبو جعفر محمد بن حسن طوسی، تصحیح: محمد رضا انصاری، قم:
ستاره، چاپ اول، ۱۴۱۷ ق.
- علل الشرائع، محمد بن علی صدوق، نجف: مکتبه الحیدریة، بی تا.
- العلل المتناهية، عبد الرحمن بن علی ابن جوزی، تصحیح: إرشاد الحق، پاکستان: إدارة
علوم الأثرية، چاپ هشتم، ۱۴۰۱ ق.
- عمدة القاری شرح صحیح البخاری، بدرالدین محمود بن احمد عینی، بیروت: دار احیاء
التراث العربی، بی تا.
- عمدة عیون صحاح الأخبار فی مناقب إمام الأبرار، یحیی بن حسن ابن بطریق، قم: مؤسسة نشر
اسلامی، ۱۴۰۷ ق.
- عوالم العلوم و المعارف، عبد الله بحرانی أصفهانی، ناشر: مؤسسة إمام مهدی عليه السلام، بی تا.
- عیون أخبار الرضا، محمد بن علی صدوق، تصحیح: مهدی لاجوردی، تهران: جهان، بی تا.
- غرر الاخبار و دُرر الآثار فی مناقب ابی الائمة الاطهار، حسن بن محمد دیلمی، تصحیح:
اسماعیل ضیغم، قم: دلیل ما، ۱۴۲۷ ق.
- فتح المغیث، شمس الدین محمد سخاوی، تصحیح: علی حسین علی، مصر: مکتبه
السنة، چاپ اول، ۱۴۲۴ ق.
- فرائد السمطین، ابراهیم بن محمد حموی جوینی تصحیح: محمد باقر محمودی، قم:
مؤسسه محمودی، بی تا.
- فردوس الاخبار، شیرویه بن شهردار دیلمی همدانی، تصحیح: سعید بن بسیونی، بیروت: دار
الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۰۶ ق.

الفصول المختارة من العيون و المحاسن، محمد بن محمد مفید، تصحیح: علی علم الهدی، قم: مؤتمر العالمی الفیه شیخ مفید، بی تا.

فضائل الصحابة، أحمد بن محمد شیبانی، تصحیح: محمد عباس وصی الله، بیروت: مؤسسة رسالة، چاپ اول، ۱۴۰۳ق.

فضائل أمير المؤمنين، احمد بن محمد بن عقده، تصحیح: محمد حسین حرز الدین، قم: دلیل ما، ۱۳۸۲ق.

كشف الخفاء و مزيل الإلباس، إسماعيل بن محمد عجلونی، تصحیح: عبد الحمید بن أحمد، مكتبة العصرية، چاپ اول، ۲۰۰۰م.

كشف الغمة فی معرفة الأئمة، علی بن عیسی اربلی، تصحیح: هاشم رسولی و جعفر سبحانی، تبریز: بنی هاشمی، ۱۳۸۱ش.

الكشف و البیان، ثعلبی، أحمد بن محمد، تصحیح: محمد بن عاشور، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.

كفاية الطالب فی مناقب علی بن أبی طالب، محمد بن یوسف گنجی، تهران: دار إحياء تراث أهل البيت، بی تا.

الكافي، محمد بن یعقوب کلینی، تصحیح: محمد آخوندی و علی اکبر غفاری، تهران: دار الكتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.

كشف اليقين فی فضائل امیرالمؤمنین، حسن بن یوسف حلی، تصحیح: حسین درگاهی، تهران: وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ق.

كنز الفوائد، محمد بن علی کراچکی، تصحیح: عبدالله نعمت، قم: دار الذخیر، بی تا.

مائه المنقبه، ابن شاذان محمد بن احمد قمی، تصحیح: محمد باقر الابطحی، انتشارات أمير، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.

مجمع الزوائد و منبع الفوائد، نورالدین علی بن أبی بکر هيثمی، تصحیح: حسام الدین قدسی، قاهره: مكتبة القدسی، ۱۴۱۴ق.

مجموع الفتاوى، ابن تیمیه أحمد عبد الحلیم حرانی، تصحیح: عبد الرحمن عاصمی، مدینه: مجمع ملك فهد، ۱۴۱۶ق.

المحصول، فخرالدین محمد بن عمر رازی تصحیح: طه جابر فیاض علوانی، مؤسسة رسالة، چاپ سوم، ۱۴۱۸ق.

- مختصر تاریخ مدینة دمشق لابن عساکر، ابن منظور انصارى، تصحيح: محمد بن مکرم، دمشق: دار الفكر، چاپ اول، ۱۴۰۲ق.
- مدینة معاجز الائمة اثنى عشر، بحرانی، هاشم، تصحيح: عزت الله مولایى همدانى، موسسه معارف اسلامى، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
- مرآة الکمال لمن رام درک مصالح الاعمال، عبد الله مامقانى، بى نا، ۱۳۸۶ش.
- المستدرک على الصحیحین، محمد نیشابورى، مصطفى عبد القادر، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، حسین بن محمد تقى نوری، بیروت: مؤسسة آل البيت، ۱۴۰۸ق.
- المسترشد فى إمامة علی بن أبى طالب، ابن جریر طبرى، تصحيح: احمد محمودى، قم: کوشانیپور، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
- معانی الأخبار، محمد بن علی صدوق، دار المعرفة، بى تا.
- المعجم الكبير، سليمان بن أحمد طبرانى، تصحيح: حمدى السلفى، قاهره: دار النشر، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
- مکرم الاخلاق، رضى الدين حسن بن الفضل طبرسى، تصحيح: محمد حسين اعلمى، مؤسسة أعلمى، بى تا.
- من لا يحضره الفقيه، محمد بن علی صدوق، تصحيح: على اكبر غفارى، قم: دفتر انتشارات اسلامى، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
- منابع الهدايه الصافيه المصدر، نورالدين ابوليحه، الانوار، چاپ اول، ۱۴۴۱ق.
- مناقب آل ابى طالب، محمد بن علی ابن شهر آشوب، مؤسسة انتشارات علامه، بى تا.
- المناقب، موفق بن احمد خوارزمى، تصحيح: مالک محمودى، قم: مؤسسة نشر اسلامى، ۱۴۱۱ق.
- منتقى من منهاج الاعتدال، محمد بن أحمد ذهبى، تصحيح: محب الدين خطيب، بى نا، بى تا.
- منهاج السنة المحمدية فى الرد على منهاج ابن تيمية، عبدالرحمن عقيلى، كربلاء: العتبة الحسينية، چاپ اول، ۱۴۳۵ق.

منہاج الکرامۃ فی معرفۃ الإمامۃ، حسن بن یوسف حلی، تصحیح: عبد الرحیم مبارک، بی نا، بی تا.

الموضوعات، عبد الرحمن بن علی ابن جوزی، تصحیح: عبد الرحمن محمد عثمان، مدینہ: محمد عبد المحسن چاپ اول، ۱۳۸۶ق.

نزهة المجالس و منتخب النفائس، عبد الرحمن بن عبد السلام صفوری، مصر: المطبعة الكاستلية، ۱۲۸۳ق.

نفحات الأزهار فی خلاصة عبقات الأنوار، علی حسینی میلانی، قم: نشر آلاء، بی تا.

نهج البلاغة، أبو الحسن محمد سید رضی، تصحیح: صبحی الصالح، لبنان: دار الكتاب، بی تا.

الوافی، ملا محسن فیض کاشانی، تصحیح: علامہ ضیاء الدین، اصفهان: مکتبۃ امام امیرالمؤمنین علی، ۱۴۰۶ق.

